

## Thematic Analysis, Developmental Processes and Story Courses in the Fairy Tales by Object Relations Theory

Mesbah, \*M., Khosravi, Z., Cheraghmollaie, L.

### Abstract

**Introduction:** This study was aimed at looking into fairy tales from object relations theory's perspective to analyze the concepts, developmental processes and story courses. The links between psychic structure of fairy tales' characters and their object relations through developmental phases discovered. Endeavors was also made to discover a model to improve therapeutic process based on the analysis of fairy tales' structure, as well as, their ending from the theory's point of view.

**Method:** The present research was carried out through qualitative method and the data was analyzed through thematic analysis. The sampling method was purposive and population included the German collection of "Grimms' Fairy Tales".

**Results:** The findings of the research showed that the concepts, developmental phases, psychological problems and therapy process in object relations theory can be traced in the fairy tales too. In all of the stories, the hero went through the same required phases of psychological development. Besides, the ending of the stories corresponded to the psychological maturity.

**Conclusion:** According to the findings of this research, therapists can be inspired by the fairy tales' symbolism to guide clients through different stages of psychological development. As the fairy tales are rooted in our individual and collective unconscious and are close to human being's nature, they can offer authentic solutions to reach a genuine self.

**Keywords:** fairy tales, object relations, psychotherapy, thematic analysis, qualitative research.

## تحلیل مفاهیم، فرآیندهای رشدی، و سیر داستان در

### افسانه‌های پریان بر اساس نظریه روابط ابژه

مه‌رناز مصباح<sup>۱</sup>، زهره خسروی<sup>۲</sup>، لیلا چراغ ملایی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۹

### چکیده

**مقدمه:** پژوهش حاضر با هدف تحلیل مفاهیم، فرآیندهای رشدی و سیر داستان در افسانه‌های پریان با دیدگاه نظریه روابط ابژه انجام شد. این پژوهش در پی آن بود که به کشف ارتباط میان ساختار روانی شخصیت‌های قصه‌های پریان و روابط ابژه‌ای آنها طی فرآیند رشد بپردازد و با الگو گرفتن از ساختار قصه‌های پریان و پایان‌بندی آنها از نگاه روابط ابژه، الگویی برای پیش برد فرآیند درمانی کشف کند.

**روش:** روش این پژوهش، کیفی و شیوه تحلیل داده‌ها از نوع تحلیل مضمون بود. جامعه آماری در این پژوهش افسانه‌های پریان اروپا از مجموعه "افسانه‌های برادران گریم" بود. نمونه‌گیری در آن به شیوه هدفمند انجام شد.

**یافته‌ها:** نتایج این پژوهش نشان داد که می‌توان مفاهیم، مراحل رشدی، مشکلات روانی و فرآیندهای درمانی این نظریه را در افسانه‌های مذکور نیز مشاهده کرد. در تمامی داستان‌های بررسی شده، قهرمان در مسیر پیشروی داستان از همان مرحله‌ای می‌گذشت که هر فرد در مسیر رشد روانی خود باید از آنها عبور کند و پایان داستان با رسیدن به بلوغ روانی همسو بود.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های این پژوهش، روان‌درمانگران می‌توانند با توجه به نمادپردازی به کار رفته در افسانه‌های پریان، از مراحل پیشروی داستان به منظور پیشبرد مراجعان در مسیر رشد روانی الهام بگیرند. از آنجا که افسانه‌های پریان ریشه در ناخودآگاه فردی و جمعی بشر دارند و با ذات آدمی به زبانی بی-واسطه سخن می‌گویند، می‌توانند راهکارهایی اصیل برای رسیدن به خویشتنی حقیقی در اختیار انسان‌ها قرار دهند.

**واژه‌های کلیدی:** افسانه‌های پریان، روابط ابژه، روان‌درمانی،

تحلیل مضمون، تحقیق کیفی.

## مقدمه

اینکه چه چیز را مشکل همگانی آدمی بدانند و چه چیز را به مثابه راه‌حل‌های مطلوب بپذیرند (۷).

همانگونه که کرنان می‌گوید، مراجعان روان درمانی اغلب سفری را از وضعیت‌های روانی سخت و روزهای تاریکشان آغاز می‌کنند، روزهای افسردگی یا بحران‌های شخصی و با آغاز درمان، خود را در مسیری نو و تازه می‌اندازند. هم قهرمان افسانه‌ها و هم مراجع اغلب با یک "دیگری" مراقبت کننده و حامی مواجه می‌شوند. در افسانه پریان این "دیگری" حامی ممکن است پری جادویی یا موجود حمایت کننده دیگری باشد و برای مراجع، درمانگرش که به ابزاری هدایت‌بخش در فرآیند تغییر مراجع بدل می‌شود (۲).

به عبارت دیگر، روانکاو امیدوار است که رنج را بشود از طریق عشق و بینش کاهش داد، بینش و عشقی که حاصل بازسازی روابط ویرانگر فرد با ابژه‌های اولیه است (۸). این بازسازی در اتاق درمان و با درمانگر به عنوان جایگزین ابژه‌های عشق اولیه صورت می‌گیرد (۹). تحلیل افسانه‌های پریان به عنوان پیام‌های کارآمد و راهنمای ناخودآگاه و الگو گرفتن از ساختار این افسانه‌ها ابزاری است که استفاده از آن از نظر پژوهشگر حائز اهمیت است.

بر اساس تعریف فرهنگ لغت آلمانی تألیف جیکوب و ویلهلم گریم افسانه پریان در ابتدا بیشتر به معنای شایعه‌ای مرسوم بود که لزوماً قابل باور نیست. به عبارت دقیق‌تر دروغی آگاهانه بود، چیزی ساختگی و خیالی (۱۰).

تامسون افسانه پریان را این گونه تعریف می‌کند: "نوعی داستان کوتاه که معمولاً دارای شخصیت‌های خیالی فولکلور مثل کوتوله‌ها، گول‌ها، پریان، ساحران، پریان دریایی، حیوانات سخنگو و تک شاخ‌ها هستند و معمولاً هم عناصر جادو و سحر را در خود دارند" (۱۱). استیون سوان جونز حضور جادو را ویژگی مشخصه افسانه‌های پریان می‌داند (۱۲). دیویدسون و چاودری نیز "تغییر و تحول" را عناصر اصلی این ژانر می‌دانند (۱۳).

آنچه در حال حاضر به عنوان افسانه پریان شناخته می‌شود، در آغاز ژانر جداگانه‌ای نبود و به داستان‌های کوتاهی اطلاق می‌شد که با "روزی روزگاری" شروع می‌شدند که در زمان‌های دوردست رخ داده، زمانی که هنوز جادو در جهان حضور داشت. در واقع یکی از جملات آغازین که در این گونه داستان‌های آلمانی گاهی مورد استفاده قرار می‌گرفت این

"انسان یک حیوان قصه‌گوست. هر کجا که می‌رود می‌خواهد پشت سرخود نه ردی آشفته، نه یک فضای خالی، بلکه چراغ‌های راهنما و نشانه‌های آرامبخش داستان‌ها را بر جای گذارد. او ناگزیر است به ساختن این داستان‌ها ادامه دهد. مادام که داستان وجود داشته باشد همه چیز رو به روال است. گفته می‌شود که انسان حتی در لحظات آخر زندگی، در ثانیه‌های سقوطی مرگبار یا هنگامی که در حال غرق شدن است، داستان زندگی خود را می‌بیند که به سرعت از برابری می‌گذرد" (۱).

افسانه‌های پریان<sup>۱</sup> هم مثل هر ژانر ادبی دیگر و نیز چونان هنر نه از جهان بیرون بلکه از درون ما می‌آیند و حرف‌های مهمی درباره ما دارند، حرف‌هایی درباره فعالیت‌های ذهن ناخودآگاه ما که نمی‌توان مدتی مدید آن را سرکوب کرد. قصه‌ها در زندگی ما حک شده‌اند. از طریق روایت‌ها، و گفتن داستان آنچه بر سرمان آمده خودمان را می‌شناسیم. وقتی داستان‌هایمان غم‌انگیز و تکراری می‌شوند، ممکن است موضوع جلسه درمان شوند. جهان افسانه و روان انسان ارتباطی تناتنگ با هم دارند (۲).

فروید در آثارش توجهی خاص به افسانه‌های عامیانه داشت و در تحلیل این قصه‌ها، ریشه و خاستگاه آنها را خاطره‌ها و احساس‌های سرکوب شده کودکی می‌دانست (۳). از این رو اهمیتی بسیار برای ضمیر ناخودآگاه آدمی و دخالت مقتدرانه آن در حوزه‌هایی همچون ادبیات، اساطیر و قصه‌های عامیانه قائل بود (۴).

برخی از دیگر روانکاوان مانند یونگ و پیروانش در پی یافتن ارتباطی میان دنیای افسانه‌ها و جهان درونی و لایه‌های عمیق روان انسان بوده‌اند (۵). از جمله دلایلی که کشف ارتباط میان جهان افسانه و روان انسان را برای روانشناسان و درمانگران جالب ساخته وجود موتیف‌ها و تخیلات تکراری به کار رفته در این افسانه‌ها در سراسر نقاط جهان است. این موتیف‌های تکراری تحلیلیگران را به سمت این نتیجه سوق داده که آنها را نمایانگر عناصر طبیعی تفکر انسانی بدانند (۶). قصه پریان حاصل محتوای مشترک ضمیر آگاه و ناآگاه است که ضمیر آگاه به آن شکل داده است؛ البته نه ضمیر آگاه یک شخص خاص، بلکه اجماع اشخاص بسیار در رابطه با

## 1. Fairy Tales

ابژه می‌انجامد. این درک، با توانایی تحمل ابهام مرتبط است یعنی توانایی درک این نکته که پستان خوب و پستان بد هر دو بخش‌هایی از یک چهره واحد هستند (۲۳).

ابژه‌های جزئی، حاصل مکانیسم "دوپاره سازی"<sup>۳</sup> نوزاد هستند. نوزادان از دوپاره‌سازی برای نظم بخشیدن به تجارب آشفته اوایل زندگی بهره می‌جویند (۲۴). پس از دوران خوش زندگی در رحم مادر، نوزاد زندگی را همچون نوعی ناپیوستگی شلوغ و آشفته تجربه می‌کند. دوپاره سازی با فرآیندهایی مرتبط است که به نوزاد کمک می‌کند تنها آن قدر از محیط را به درون راه دهد که قادر به اداره آن است و از کلیت هضم ناشدنی تجربه در امان بماند. دوپاره سازی اولیه به ناتوانی از ترکیب تجارب ناساز در کلی واحد اشاره دارد که ناشی از رشد نیافتگی کودک است (۲۵).

این رشد و بلوغ همان گونه که دانلد وینیکات می‌گوید از طریق "مادری رضایت‌بخش"<sup>۴</sup> و "محیط نگهدارنده"<sup>۵</sup> امکان‌پذیر است (۲۶). وینیکات معتقد بود شرایط محیطی مساعد، رشد کودک را تسهیل می‌کنند. وینیکات، محیط نگهدارنده را پایه‌های سلامت روان می‌دانست که توسط مادری که به اندازه کافی نسبت به فرزندش مراقبت و ابراز عشق داشته باشد بنیان گذاشته می‌شود (۲۷). از نظر وینیکات، تکنیک‌های مادر در بغل کردن، حمام کردن، غذا دادن و هر کاری که برای کودکش انجام می‌دهد به کودک کمک می‌کند بدنش را به مثابه مکان امنی برای زیستن تجربه کند (۲۸). کودک همین آغوش امن مادر را طی مراحل رشد به مکان‌های دیگر مثل خانواده و مدرسه و اجتماع تعمیم خواهد داد. مشخصه محیط مساعد از نظر وی، سازگاری آن با نیازهای کودک است که در آغاز احساس توانایی مطلق را در نوزاد ایجاد می‌کند و به تدریج با رشد کودک به سمت هم‌زیستی‌زدایی رفته و کودک را در رسیدن به استقلال یاری می‌دهد (۲۹).

بنا به شهادت پژوهش‌های بسیار، آسیب در روابط ابژه‌ای اولیه تأثیری ماندگار بر شخصیت فرد در مراحل بعدی زندگی خواهد داشت. در بسیاری از موارد، الگوهای روابط ابژه‌ای ناسازگار، فرد را به سمت دفاع‌های خشک و انعطاف‌ناپذیر

بود "در زمان‌های دوردستی که آرزو کردن هنوز مؤثر بود." (۱۴).

بدین ترتیب چیزی که در همه این تعاریف و بسیاری از تعاریف دیگر مشترک است تأکید بر عنصر جادویی و شگفتی و موتیف‌های فراطبیعی است (۱۵).

مقصود از روابط ابژه، روابط بین شخصی است. نظریه روابط ابژه در روانکاوی، به بررسی فرآیند رشد روان در ارتباط با دیگران در محیط کودکی می‌پردازد (۱۶). در این نظریه ارتباطات افراد با دیگران در بزرگسالی به وسیله تجارب فرد در زمان کودکی در خانواده شکل می‌گیرد (۱۷). آسیب در ارتباطات ابژه‌ای اولیه فرد، او را از مسیر رشد منحرف کرده و در دام تکمیل ماموریتی غیر ممکن می‌اندازد؛ ماموریتی که در آن وظیفه اصلاح اشتباهات ابژه‌های اولیه به دوش ابژه‌های مشابه در دوران بزرگسالی انداخته می‌شود (۱۸).

ابژه<sup>۱</sup> واژه‌ای تخصصی و ابداع فروید است و به هر چیزی اشاره دارد که نیازی را برآورده می‌سازد. ابژه، شخص یا چیز با اهمیتی است که هدف احساسات و سائق‌های یک فرد است (۱۹). در حالی که دسته‌ای از روانکاوان پس از فروید که بعدها نظریه روابط ابژه را پایه‌گذاری کردند به مخالفت با فروید پرداخته و بر این باور بودند که انگیزه اولیه کودک، جستجوی ابژه و ارتباط با ابژه‌های واقعی است نه ارضای سائق (۲۰).

ابژه همچنین می‌تواند بخشی از یک شخص باشد که در این صورت ابژه جزئی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود (۲۱). نوزاد به علت درک محدودی که دارد در هر نوبت تنها یک مشخصه ابژه واقعی مثلاً رفع نیازی که پستان منبع تغذیه به همراه دارد یا ناکام ماندگی ناشی از فقدان آن را درک می‌کند. ارضا کننده خوب است و ناکام کننده بد (۲۲). در این دوره اولیه نوزاد قادر نیست دو ایده یا مفهوم را همزمان در نظر آورد مثلاً مادرش را هم خوب و هم بد بداند. کم‌کم در طول رشد و تحول، در نوزاد این ظرفیت پدید می‌آید که مادرش را ابژه‌ای کلی ببیند که هم ارضا می‌کند و هم ناکام می‌سازد. مثلاً پستان مادر وقتی به هنگام گرسنگی در دسترس باشد ابژه خوب و به هنگام غیبت ابژه بد است. در یک محیط به اندازه کافی خوب و تسهیل کننده کارکردهای ابژه جزئی در نهایت به درک کل

4. Good Enough Mother

5. Holding Environment

1. Object

2. part object

3. Splitting

## روش

**طرح پژوهش:** روش این پژوهش، کیفی و شیوه تحلیل داده‌ها از نوع تحلیل مضمون بود. جامعه آماری در این پژوهش افسانه‌های پریان اروپا از مجموعه "افسانه‌های برادران گریم" (۳۳) بود.

**آزمودنی‌ها:** با توجه به کیفی بودن پژوهش حاضر، نمونه‌گیری در آن به شیوه هدفمند و تا حد اشباع انجام شد. در مرحله اول، کدگذاری بر اساس مفاهیم موجود در نظریه روابط ابژه صورت پذیرفت. پس از انجام کدگذاری به وسیله پژوهشگر، کدها در اختیار کدگذار دوم که با موضوع پژوهش آشنا بود قرار داده شد. پس از انجام اصلاحات و با در نظر گرفتن پیشنهادات کدگذار دوم، تغییراتی در کدگذاری انجام شد تا فرآیند پژوهش، با دقت و بی‌طرفی بیشتری دنبال شود.

برای انتخاب داستان‌ها، ابتدا تمامی داستان‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند و از میان آنها، آن دسته از داستان‌ها که مراحل رشدی مطرح شده در نظریه روابط ابژه در آنها برجسته‌تر و قابل توجه‌تر بود انتخاب شد. بدین منظور ابتدا لیستی از مفاهیم مهم مطرح در آن نظریه تهیه شد و سپس بر اساس آن لیست، پژوهشگر داستان‌هایی را انتخاب کرد که بیشترین میزان شباهت و نزدیکی را با مفاهیم مربوط به نظریه داشتند. در نمونه‌گیری هدفمند، هدف از این انتخاب، تشخیص و انتخاب مواردی است که به لحاظ داده‌های مربوط به تحقیق غنی باشند (۳۴). به عبارت دیگر، نقشه‌ای که مبنای انتخاب داستان‌ها را تشکیل می‌داد، لیست مفاهیم نظریه روابط ابژه بود. این مفاهیم عبارت بودند از ابژه، ابژه خوب، ابژه بد، ابژه جزئی، ابژه گذار، روابط ابژه، دوپاره سازی، رشد، خویشتن کاذب، خویشتن حقیقی، غلبه بر ابژه بد، رسیدن به خویشتن اصیل.

پس از انجام تحلیل از داستان‌های منتخب، پژوهشگر به این نتیجه رسید که داستان‌های جدیدی که برای تحلیل انتخاب می‌کند داده تازه‌ای را وارد پژوهش نمی‌سازد و تغییری در الگویی که تا آن لحظه کشف شده ایجاد نمی‌کند. مفاهیم و سیر پیشروی داستان‌ها از آن پس به نظر پژوهشگر بسیار مشابه هم به نظر می‌رسیدند. در این نقطه که ورود داستان جدید به مجموعه، طبقه‌بندی جدیدی را در تحلیل و الگو ایجاد نمی‌کرد پژوهشگر تصمیم گرفت به نمونه‌گیری خاتمه دهد.

کشانده و سازمان دهی شخصیت را به سمت ساختاری نوروتیک می‌کشانند (۳۰).

بیمار دارای آسیب شخصیتی با جنبه‌های خاصی از تجربه هشیار و ناهشیار خود و دیگران دست و پنجه نرم می‌کند که با مفهوم کلی که از خودش و جهان اطرافش دارد، همخوانی ندارند. این تجارب متناقض در مورد خود و دیگران، به همراه عواطف مربوطه، از تجربه خود غالب بیمار دونیم‌سازی و جدا می‌شود و نسبت به تغییر یا تأثیر محیطی نسبتاً مقاوم می‌ماند. عملکردهای دفاعی که از ورود این روابط ابژه درونی به آگاهی هشیار جلوگیری می‌کنند باعث ایجاد خشکی در کارکرد شخصیت می‌گردند. به عبارت دیگر، دفاع‌های نوروتیک سپری هستند در برابر روابط ابژه‌ای دردناک که در سطح ناهشیار قرار دارند (۳۱).

از سوی دیگر، روابط مستحکم و ایمن اولیه با ابژه ارتباط مستقیمی با تنظیم هیجان و سطوح پایین‌تر استرس و همچنین رویکردهای سازنده به حفظ و بقای روابط افراد همراهند. ارتباط ایمن با ابژه‌های اولیه، امکانات لازم را برای تنظیم عواطف در اختیار کودک قرار می‌دهند چرا که کودکان ایمن، پاسخ‌دهی بهینه و منسجم از مراقب اولیه را تجربه می‌کنند و می‌آموزند که ابراز متعادل هیجان‌ها پیامدهای مثبت در بر خواهد داشت (۳۲).

با وجود این که در زمینه ارتباط میان افسانه‌ها و روانشناسی و کاربرد آنها چه در درمان و چه در تبیین اختلالات روانی، پژوهش‌های نسبتاً زیادی در سراسر جهان انجام شده است، تا آنجا که پژوهشگر بررسی نموده است مطالعات بسیار محدودی از دیدگاه نظریه "روابط ابژه" در این حوزه به انجام رسیده است. لذا با توجه به اهمیت نظریه مذکور در حوزه روانکاوی و درمان، و به خصوص با توجه به مفاهیم کلیدی موجود در نظریه روابط ابژه و تمرکز آن بر "رابطه" با "دیگری"، و از سوی دیگر با توجه به اهمیت شناخت افسانه‌های پریان در مقام راهنمایی برای ورود به ناخودآگاه بشری، پژوهشگر بر آن است که با مقایسه الگوهای این نظریه با جهان افسانه‌های پریان و شخصیت‌های آن، به بررسی فرآیندهای رشد و بلوغ روانی، مشکلات روانی و کشف راه‌حلی برای پیش بردن فرآیند روان درمانی بپردازد.

در نهایت پنج داستان به شرح زیر انتخاب شد: هنسل و گرتل، سیندرلا، راپونزل، سفید برفی، کلاه قرمزی (شنل قرمزی).

جدول ۱ الی ۴ نمونه‌ای از کدها و مضامین استخراج شده در داستان‌های منتخب را نشان می‌دهد.

جدول ۱) عناصر داستان سفید برفی از دیدگاه نظریه روابط ابژه

سفید برفی	
عناصر داستان: کد	مفاهیم نظریه روابط ابژه: مضمون
نامادری	ابژه بد
درخواست سفید برفی برای پناه بردن بی بازگشت به دل جنگل	گریز از ابژه بد
گرسنگی	محرومیت از عشق ابژه
جنگل	جدایی از ابژه عشق + ورود به جهان ناشناخته بیرون
کوتوله‌ها	ابژه خوب
خانه امن وسط جنگل	ابژه انتقال
خواب عمیق در حضور ابژه انتقال	آماده شدن برای مواجهه با جهان بیرون
سفید برفی ملکه بدجنس را به داخل راه می‌دهد	درونی کردن ابژه بد
مرگ سفید برفی به دست ملکه	نابودی در دستان ابژه بد
کوتوله‌ها شانه زهرآگین را از سفید برفی جدا می‌کنند	خروج زهر ابژه بد
خارج شدن سیب سمی از دهان سفید برفی در اثر برخورد تابوت با زمین	خروج نهایی ابژه بد
نجات به وسیله کوتوله‌ها	تولد دوباره در دستان ابژه خوب
سیب نیم سمی نیم سالم	دوپاره سازی

جدول ۲) عناصر داستان راپونزل از دیدگاه نظریه روابط ابژه

راپونزل	
عناصر داستان: کد	مفاهیم نظریه روابط ابژه: مضمون
دیوار بلند	دوپاره‌سازی
جادوگر	ابژه بد
برج بدون پله و در	مرحله منزوی از جهان بیرون. همزیستی اوتیستیک
موهای بافته	ابژه انتقال
نردبان ابریشم	ابژه انتقال
مرد بیگانه	ابژه خوب
راه دادن مرد بیگانه به برج	درونی کردن ابژه خوب
تصمیم راپونزل به جایگزینی مادر گرتل با مرد غریبه	جدایی از ابژه اولیه عشق
قیچی شدن موهای راپونزل به دست نامادری	تلاش ابژه بد برای قطع ارتباط قهرمان با جهان بیرون و وابسته نگه داشتن وی تا ابد
رها شدن راپونزل در جنگل	طرد از سوی ابژه بد

جدول ۳) عناصر داستان کلاه قرمزی از دیدگاه نظریه روابط ابژه

کلاه قرمزی	
عناصر داستان: کد	مفاهیم نظریه روابط ابژه: مضمون
مادر بزرگ	ابژه خوب
ورود به جنگل	ورود به جهان بیرون / خروج از جهان اوتیستیک
غذاهای خوشمزه	ابژه انتقال
گرگ	ابژه بد
راه دادن گرگ به داخل خانه	درونی کردن ابژه بد
بلعیده شدن به وسیله گرگ	نابودی کامل به دست ابژه بد
گرگ در لباس مادربزرگ: لحظه‌ای به شکل مادربزرگ و لحظه‌ای دیگر به شکل گرگ:	دوپاره سازی ابژه خوب و بد
دوسویگی	ابژه خوب
شکارچی	ابژه خوب
پاره شدن شکم گرگ به دست شکارچی	نجات سوژه از دست ابژه بد
قفل کردن در به منظور منع گرگ از ورود به خانه	بستن راه درونی شدن ابژه بد
بازگشت شادمانه به خانه بدون مزاحمت گرگ: دیگر کسی جرأت نمی‌کرد برای او مزاحمت کند	تدوam بیرونی کردن ابژه بد

جدول ۴) عناصر داستان سیندرلا از دیدگاه نظریه روابط ابژه

سیندرلا	
عناصر داستان: کد	مفاهیم نظریه روابط ابژه: مضمون
مرگ مادر	نابودی ابژه خوب
مادر در نقش فرشته نگهبان پس از مرگ	درونی کردن ابژه خوب
نامادری، خواهران بدجنس	ابژه بد
پرنده کوچک که روی مزار می‌نشیند و آرزوهای سیندرلا را برآورده می‌کند	ابژه خوب
پرنده‌گان که در انجام امر غیر ممکن نامادری به سیندرلا کمک می‌کنند تا به جشن رود	ابژه خوب
شاخه درخت فندق که روی مزار مادر کاشته می‌شود	ابژه انتقال
لنگه کفش	ابژه جزئی
بازگشت قهرمان به خانه به همراه شاهزاده	تولد دوباره، زندگی جدید

## ابزار

در تحلیل داده‌های این پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تمرکز اصلی در تحلیل مضمون، شناسایی، بررسی و ثبت الگوها یا مضامین موجود در داده‌هاست. مضامین، الگوهای موجود در داده‌ها و ویژگی تکراری متن هستند که برای توصیف یک پدیده مهم به شمار می‌روند و با سؤالات پژوهش در ارتباطند. مضامین، در واقع طبقه‌بندی‌های تحلیل را تشکیل می‌دهند (۳۵). این تحلیل شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده، و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند (۳۶).

تحلیل داده‌ها در این پژوهش طی یک فرآیند شش مرحله‌ای از کدگذاری به منظور ایجاد الگوهای معنادار و ثابت انجام شد. این شش مرحله عبارت بودند از آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین در میان کدها، مرور مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و ارائه گزارش نهایی. تحلیل داده‌های برخی قصه‌ها و خلاصه سایر قصه‌ها به قرار زیر است:

داستان "هنسل و گرتل" با بیرون راندن خواهر و برادر از خانه توسط پدر و مادر ناتنی شروع می‌شود یعنی همان دغدغه و ترسی که بسیاری از کودکان از زمان تولد با آن دست به گریبانند. ترس از رها شدن و طرد شدن از سوی اولین ابژه‌های عشق که غالباً پدر و مادر هستند. این خواهر و برادر از ترک خانه و رها شدن به حال خود در هراسند و بیم آن دارند که توسط حیوانات وحشی بلعیده شوند و یا از گرسنگی تلف گردند. آنها که در واقع آمادگی زندگی مستقل و تنها را ندارند، به دنبال ابزاری‌اند که راهنمای بازگشت آنها به خانه باشد. هنسل بدین منظور از سنگریزه استفاده می‌کند

تا با قرار دادن آن در مسیر، راه بازگشت را بیاید. سنگریزه‌ها همچون ابژه انتقالی عمل می‌کنند که کودک را در نبود خانه و فضای امن آن و در واقع در نبود عشق ابژه به آن وصل می‌کند تا به وی اطمینان خاطر دهد که باز هم قادر خواهد بود به خانه بازگردد و این جدایی از خانه ابدی نخواهد بود. همچون بند نافی که جنین را به زهدان مادر وصل می‌کند تا بتواند از او تغذیه کند. آنها موفق می‌شوند این گونه مسیر بازگشت به خانه را بیابند. اما نامادری بدجنس که نمی‌تواند حضور آنها را متحمل شود برای بار دوم آنها را از خانه بیرون می‌کند. این بار هم هنسل به همان شیوه بار اول متوسل می‌شود تا راه بازگشت به خانه را بیابد با این تفاوت که در بار دوم به جای سنگریزه از خرده نان استفاده می‌کند. این بار نامادری بدجنس آنها را به عمق بیشتری از جنگل می‌برد تا یافتن راه بازگشت به خانه برایشان دشوارتر باشد. یعنی "جایی که هرگز در طول زندگی‌شان نرفته بودند"، دنیای بیرون که برای نخستین بار با آن مواجه می‌شوند. اما این بار نمی‌توانند راه بازگشت را با کمک تکه‌های نان بیابند چون پرنده‌گان تکه نان‌ها را خورده‌اند. تکه نان‌ها اگرچه همچنان ابژه انتقال به شمار می‌روند و هنسل و گرتل قصد دارند از آنها برای بازگشت به خانه استفاده کنند اما ابژه انتقال مستحکمی نیستند چرا که خانه، دیگر آن خانه مستحکم و امنی نیست که انتظارش را دارند بلکه خانه‌ای است که پس از یک بار بازگشت به آن دوباره از آن طرد و رانده شده‌اند. آنها ناخودآگاه ابژه انتقالی را بر می‌گزینند که لزوماً آنها را به خانه باز نخواهد گرداند. اگرچه در سطح خودآگاه میل به بازگشت به ماوای خانه را دارند اما در ناخودآگاه خود می‌دانند که این خانه لااقل با این شرایط فعلی و بدون تغییر شرایط خانه‌ای نخواهد بود که نیازهایشان را تأمین کند.

سیندرلا داستان دختری است در معرض بدرفتاری همیشگی نامادری و خواهران ناتنی. تا این که پادشاه سرزمین در جشنی که برای همسر گزینی ترتیب داده شیفته سیندرلا می‌شود. در پایان مراسم، پادشاه قصد همراهی سیندرلا تا خانه را دارد اما سیندرلا از ترس نامادری سریع از مراسم خارج می‌شود. به هنگام فرار، لنگه کفشش را در راه گم می‌کند و پادشاه از طریق همین لنگه کفش موفق به یافتن او و در نهایت ازدواج با او می‌شود.

سفید برفی از ترس این که نامادری‌اش که ملکه بدجنسی است او را بکشد به جنگل فرار می‌کند و در خانه کوتوله‌ها ساکن می‌شود. ملکه بدجنس از محل سفید برفی آگاه می‌شود و سه بار برای کشتن او نقشه می‌کشد. در دوبار اول کوتوله‌ها موفق به نجات سفید برفی می‌شوند اما بار سوم سفید برفی با خوردن سیب زهرآلود می‌میرد و کوتوله‌ها او را در تابوت شیشه‌ای در دامنه کوه می‌گذارند. تا این که شاهزاده‌ای از پای کوه رد می‌شود و شیفته سفید برفی می‌شود و تابوت را با خود می‌برد. در راه تابوت به زمین می‌خورد و این ضربه باعث خروج سیب زهرآلود از دهان سفید برفی و بازگشت او به زندگی می‌شود. سفید برفی به درخواست شاهزاده همراه او به قصر می‌رود و با او ازدواج می‌کند.

راپونزل داستان دختری است که جادوگر او را در برجی بدون در و پله زندانی می‌کند و هر وقت می‌خواهد به دیدن او راپونزل موهای بافته بلندش را رها می‌کند تا جادوگر از آنها بالا برود. روزی شاهزاده‌ای از جنگل می‌گذرد و شاهد ماجرا می‌شود و با شنیدن صدای زیبای آواز راپونزل تصمیم می‌گیرد خودش روز بعد از برج بالا رود. راپونزل بعد از آشنایی با شاهزاده تصمیم می‌گیرد با او از برج بیرون برود و همسر وی شود.

داستان کلاه قرمزی، با سفر او برای دیدار از مادر بزرگ مریضش شروع می‌شود. راه خانه مادر بزرگ از وسط جنگل می‌گذرد. کلاه قرمزی در مسیر، با گرگ مواجه می‌شود و گرگ با حيله آدرس خانه مادر بزرگ را از کلاه قرمزی می‌گیرد تا برود و دخترک و مادر بزرگش هر دو را بخورد و سرانجام هم موفق می‌شود. اما اندکی بعد، شکارچی سر می‌رسد و هر دو را از شکم گرگ نجات می‌دهد.

**روند اجرای پژوهش:** در ابتدا برای گردآوری داده‌ها از شیوه کتابخانه‌ای اقدام شد. بدین ترتیب که به منظور جمع

آنها پس از سه روز سرگردانی در جنگل و در حالی که خستگی و گرسنگی از پای درشان آورده به پرندۀ راهنمایی برمی‌خورند که آنها را به سمت خانه زنجبیلی هدایت می‌کند. خانه‌ای که تماماً از شیرینی‌های خوشمزه درست شده و چیزی است که در آن زمان بیش از هر چیز به آن احتیاج دارند. پرندۀ راهنما ابژه خوبی است که بر خلاف ابژه بد طرد کننده که آنها را در تنهایی و گرسنگی رها کرده، آنها را به سمت سرپناه و خوراکی راهنمایی می‌کند. آنها چنان گرسنه‌اند که به هشدارهای صدایی که می‌گوید به حریم خانه او تجاوز کرده‌اند هیچ توجهی نمی‌کنند تا این که سروکله جادوگر پیر ظاهر می‌شود و آنها را با فریبکاری به داخل خانه خود می‌برد تا آنها را غذای خود کند. گرسنگی بیش از حد کودکان، آنها را به سمت حرص و ولع در خوردن کشاند و باعث شد به کیفیت آن چه می‌خورند توجهی نداشته باشند. همانطور که فیبرن می‌گوید در غیاب غذای مناسب، حتی شیرینی زهرآلود هم توسط فرد گرسنه خورده می‌شود، در اینجا نیز کودکان در غیاب غذایی که باید توسط پدر و مادر فراهم شود به خانه زنجبیلی پناه می‌برند. ابژه بد خانه زنجبیلی به ناچار در غیاب ابژه خوب بلعیده می‌شود. درونی کردن ابژه بد مقدمه‌ای می‌شود که در مرحله بعد طعمه ابژه بد یعنی جادوگر شوند. اما ابژه بدی که بیرونی شده یعنی از "خود" جدا شده به راحتی قابل شکست است. دیگر بخشی از خود نیست که با نابودی‌اش، "خود" هم نابود شود. جادوگر، ابژه بد بیرونی است که می‌توان آن را در تنور انداخت و سوزاند و از شرش خلاص شد، کاری که هنسل و گرتل موفق به انجامش می‌شوند. آنها بعد از نابودی جادوگر به سراغ وسایل او می‌روند و گنج جواهرات و مرواریدهای قیمتی او را می‌یابند. "هنسل گفت: این‌ها از آن سنگریزه‌ها خیلی بهتر است." و البته که این جواهرات برای این دو کودک از آن سنگریزه‌ها بهتر است چرا که این جواهرات، حاصل شکست جادوگر است، حاصل نابودی ابژه بد. الان با شکست جادوگر و با داشتن اشیا قیمتی می‌توانند با خیال راحت به خانه برگردند. نه جادوگری در تعقیب آنها خواهد بود که آنها را تهدید کند و نه در خانه گرسنگی و فقر و طرد حاصله در انتظارشان خواهد بود. به خانه باز می‌گردند در حالی که با توانایی‌های فردی خود به ابژه بد فائق آمده‌اند. آنها نه دست خالی بلکه با گنجینه‌ای که در این سفر یافته‌اند، با "خود" تازه به خانه بازمی‌گردند.

پیشنهادی، حمایت و یا آن را رد می‌کنند. برخی از مضامین استخراج شده با هم تلفیق شدند و برخی دیگر به واحدهای کوچکتری تقسیم شدند. در این مرحله نقشه کلی مضامین شکل گرفت و ترتیب وقایع از نظر انطباق میان مضامین و کدها مشخص شد. به عنوان مثال مشخص شد که داستان با دوپاره‌سازی ابژه‌ها به خوب و بد، نابودی ابژه خوب و ورود ابژه بد شروع می‌شود و قهرمان داستان، سفری را برای رهایی از ابژه بد آغاز می‌کند و در راه رسیدن به مقصد نهایی که یافتن خویشتن حقیقی است و آرامش قهرمان را در برخواهد داشت به ابژه‌های خوب و ابژه‌های انتقال و برونی-سازی ابژه‌های بد نیازمند است.

مرحله پنجم: تعریف و نام‌گذاری مضامین: در این مرحله، همزمان با انطباق کدها و مضامین، تعریف مختصری از هر مضمون ارائه شد تا دلیل انطباق آن با کد مرتبط مشخص شود.

مرحله ششم: ارائه گزارش نهایی: پژوهشگر در این مرحله شروع به مکتوب نمودن تحلیل نهایی حاصل از داده‌ها نمود. این تحلیل بر اساس تصویر و نقشه نهایی از ارتباط میان داده‌ها به دست آمد. در نوشتن گزارش، تمرکز اصلی بر روی آن دسته از مضامینی بود که نقش معنی‌داری در پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش داشتند.

#### یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شخصیت‌های قصه‌های پریان به لحاظ ساختار، الگویی دارند شبیه به آنچه در نظریه روابط ابژه به لحاظ رشد روانی فرد مطرح می‌شود. مراحل ابتدایی رشد شخصیت که هنوز خام و شکل نگرفته است با دوپاره‌سازی به ابژه خوب و بد آغاز می‌شود و رسیدن به بلوغ روانی به معنای حرکت به سمتی است که این شکاف پر شده و جای دو موجود دوپاره را موجودی واحد بگیرد. فرد زمانی به بلوغ روانی می‌رسد که بتواند سوپه خوب و سوپه بد ابژه‌های زندگی‌اش را یک کل و موجودی واحد بداند. راه حل غلبه بر این دوپارگی وجود ابژه‌های به اندازه کافی خوب است که بتواند ابژه‌های بد را خنثی کند. همچنین این رشد روانی و رسیدن به وحدت، با یافتن خویشتن حقیقی شخص و رهایی از خویشتن کاذب توأم است. رسیدن به خویشتن حقیقی در فرآیند رشد حاصل رهایی از ابژه‌های بد درونی شده است که به خویشتنی کاذب منجر شده‌اند. همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، در کلیه داستان‌هایی

آوری پیشینه و مبانی نظری پژوهش هم در حوزه نظریه روابط ابژه و هم در حوزه افسانه‌های پریان از مدارک از پیش موجود مثل کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، نشریات، کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و جستجو در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی علمی و موتورهای جستجوگر متفاوتی استفاده شد. برای دستیابی به اطلاعات مرتبط و مورد نیاز، تمامی کلیدواژه‌های مربوط به پژوهش در منابع مختلف فارسی و انگلیسی جستجو شد و نتایجی که بیشترین ارتباط را با پژوهش مورد نظر داشتند مورد مطالعه قرار گرفت.

پس از انجام مطالعات مربوط به پیشینه، مجموعه "افسانه‌های برادران گریم" به عنوان جامعه آماری انتخاب شد و پس از آن نیز به شرحی که رفت تعداد ۵ داستان به عنوان نمونه برگزیده شد.

در مرحله بعد، فرآیند تحلیل مضمون با انتخاب کدها و مضامین آغاز شد. تحلیل مضمون در یک فرآیند شش مرحله‌ای به شرح زیر به انجام رسید:

مرحله اول: آشنایی با داده‌ها: در این مرحله، تمرکز اصلی در مطالعه منابع توجه به الگوهای تکرار شونده بود تا پژوهشگر را در رسیدن به تصویر نهایی تحلیل کمک کند.

مرحله دوم: ایجاد کدهای اولیه: تمرکز اصلی در این مرحله ایجاد کدهای اولیه بر نمادشناسی و معنای پنهان کدها بود. به عبارت دیگر نمادشناسی و توجه به معنای پنهان واژه‌ها راهنمای انتخاب کدها برای پژوهشگر بود. به عنوان مثال با توجه به نمادشناسی و معنای پنهان "نامادری بدجنس" این عبارت کدی در نظر گرفته شد که از دیدگاه روابط ابژه نشان دهنده ابژه بد است. یا در مثالی دیگر پژوهشگر به این نتیجه رسید که جنگل نشان دهنده جدایی از ابژه عشق و ورود به جهان ناشناخته بیرون و به عبارت دیگر خروج از مرحله هم‌زیستی مارگارت ماehler است.

مرحله سوم: جستجوی مضامین در میان کدها: این مرحله شامل دسته‌بندی کدهای مختلف در قالب مضامین بالقوه، و مرتب کردن همه خلاصه داده‌های کدگذاری شده در قالب مضامین مشخص شده بود. تفاوت مضمون و کد هم طبق تعریف (۱) ازین قرار بود که مضامین، عبارات یا جملاتی اند که معنای داده‌ها را مشخص می‌کنند.

مرحله چهارم: مرور مضامین: پژوهشگر در این مرحله به مرور مجدد مضامین استخراج شده در مرحله قبل پرداخت. بدین منظور پژوهشگر به دنبال اطلاعاتی بود که از نظریه



برخی داستان‌ها از مرحله درونی سازی ابژه بد فاکتور گرفته می‌شد و قهرمان صرفاً در جهان بیرون می‌بایست بر ابژه بد غلبه یابد. قهرمان برای غلبه بر ابژه بد به ناچار می‌بایست پا به جهان بیرون بگذارد و در این راه از ابژه‌های انتقال یا ابژه اولیه خوبی که درونی سازی کرده و یا ابژه‌های خوب بعدی که در مسیر به آنها بر می‌خورد کمک گیرد. مرحله نهایی تمام داستان‌ها شکست ابژه بد با کمک گرفتن از ابژه خوب بود.

که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت ترتیب نسبتاً مشابهی از اتفاقات به چشم می‌خورد. تمامی داستان‌ها با دوپاره سازی ابژه‌ها به خوب و بد شروع می‌شدند. سپس با ورود ابژه بد مواجه بودیم که یا ابتدا به ساکن رخ می‌داد و یا پس از نابودی ابژه خوب و در واقع جایگزین ابژه خوب می‌شد. ابژه بد در بعضی داستان‌ها توسط قهرمان درونی سازی می‌شد و چالش قهرمان در کل داستان خارج کردن ابژه بد از خود و سپس غلبه بر آن در جهان بیرون بود. در

جدول ۵) سیر پیشروی داستان‌های منتخب به ترتیب ورود مفاهیم نظریه روابط ابژه

نام داستان	هنسل و گرتل	سیندرلا	سفید برفی	راپونزل	کلاه قرمزی (شنل قرمزی)
مفاهیم نظریه ابژه به ترتیب حضور در داستان	دوپاره سازی ابژه‌ها به خوب و بد	دوپاره سازی ابژه‌ها به خوب و بد	دوپاره سازی ابژه‌ها به خوب و بد	دوپاره سازی ابژه‌ها به خوب و بد	دوپاره سازی ابژه‌ها به خوب و بد
	نابودی ابژه خوب+ورود ابژه بد	نابودی ابژه خوب+ورود ابژه بد	نابودی ابژه خوب+ورود ابژه بد	نابودی ابژه خوب+ورود ابژه بد	ورود ابژه بد
	محرومیت از عشق ابژه	محرومیت از عشق ابژه	محرومیت از عشق ابژه	محرومیت از عشق ابژه	یافتن ابژه انتقال
	طرد از سوی ابژه بد	طرد از سوی ابژه بد	طرد از سوی ابژه بد	طرد از سوی ابژه بد	ورود به جهان بیرون
	یافتن ابژه انتقال	درونی کردن ابژه خوب	ورود به جهان بیرون	درونی کردن ابژه خوب	درونی کردن ابژه بد
	ورود به جهان بیرون	یافتن ابژه انتقال	یافتن ابژه انتقال	یافتن ابژه انتقال	غلبه بر ابژه بد به کمک ابژه(های) خوب
	درونی کردن ابژه بد	ورود به جهان بیرون + یافتن ابژه عشق جدید	درونی کردن ابژه بد	ورود به جهان بیرون	بستن راه درونی شدن ابژه بد
	مواجهه و غلبه بر ابژه بد به کمک ابژه(های) خوب	مواجهه و غلبه بر ابژه بد به کمک ابژه(های) خوب	مواجهه و غلبه بر ابژه بد به کمک ابژه(های) خوب	غلبه بر ابژه بد به کمک ابژه(های) خوب	تدوام بیرونی کردن ابژه بد
	بازگشت به خویشتن حقیقی پس از غلبه بر ابژه بد	بازگشت به خویشتن حقیقی پس از غلبه بر ابژه بد	بازگشت به خویشتن حقیقی پس از غلبه بر ابژه بد	بازگشت به خویشتن حقیقی	بازگشت به خویشتن حقیقی

جایگزینی آن با ابژه خوب، لازمه غلبه بر خویشتن کاذب و یافتن خویشتن حقیقی است.

افسانه‌های پریان منتخب در این پژوهش نه تنها در پایان بندی، بلکه در فرآیند رسیدن به آن پایان بندی نیز نمادی از راهکارهای ارائه شده از سوی روان برای طی کردن مراحل رشد و فردیت بودند. چنان چه از دیدگاه نظریه روابط ابژه به مراحل رشد روان نگریسته شود، این مراحل به همان ترتیبی در افسانه‌های پریان رخ می‌دهد که در زندگی واقعی بشر. به زبان رونالد فیربرن، این ترتیب در مراحل رشد روانی به قرار زیر است: ۱. وابستگی نوزادانه که به معنای همسان سازی با

در پایان بندی داستان‌ها نیز الگوی مشابهی تکرار می‌شد. تمامی داستان‌ها با پایان خوش خاتمه یافتند و این پایان خوش، غلبه قهرمان بر ضد قهرمان، رسیدن قهرمان به خویشتن حقیقی خود و یافتن عشق راستین و آغاز رابطه با این عشق حقیقی و تازه است و جمیع این اتفاقات است که خوشبختی قهرمان را رقم می‌زند. پایان بندی افسانه‌های پریان، همان رسیدن به مرحله بلوغ روانی در نظریه روابط ابژه است. در نظریه روابط ابژه، فرد زمانی مراحل رشد روانی را با موفقیت طی می‌کند و به بلوغ روانی می‌رسد که بتواند خود را از سایه سنگین ابژه بد رها کند. برونی سازی ابژه بد و

کمک می‌کند با میزان کافی از ابژه خوب که درونی می‌سازد اثرات ابژه بد را خنثی و خود را از قید اثرات منفی آن رها سازد (۴۱). سپس فرآیند درمان به این سمت پیش می‌رود که فرد خود تبدیل به ابژه خوب برای خود شود چراکه در فرآیند درمان از همدردی و همراهی درمانگر می‌آموزد که خود، ابژه خوب بهتری برای خویش‌تن باشد و به سمت استقلالی رضایت‌بخش پیش رود (۴۲).

درمان، نیازمند شناسایی و حل عقده‌های روانی است که اغلب آنها ناخودآگاه هستند. هدف از روان درمانی غلبه بر این عقده‌ها، طی کردن فرآیند فردیت، گذراندن موفقیت‌آمیز مراحل رشد روانی و رسیدن به بلوغ روانی است (۴۳).

پژوهش حاضر بر این باور است که می‌توان با نگاهی که از دیدگاه روابط ابژه به افسانه‌های پریان می‌شود از آن به عنوان راهنما و الگویی برای پیشبرد فرآیند درمان استفاده کرد. آنچه که می‌تواند درمانگر را در این مسیر هدایت کند، توجه به نمادپردازی‌های به کار رفته در این افسانه‌هاست، درست همانند آنچه در تفسیر رؤیا به کار می‌رود. ساختار افسانه‌های پریان الگویی است از فرآیند رشد روانی در مراحل مختلف و پایان افسانه پریان الگویی است از حل تعارضات و رسیدن به بلوغ روانی. درمان از دیدگاه نظریه پردازان روابط ابژه، به معنای رها ساختن ناهشیار از ابژه‌های بد درونی شده است (۴۴). یافته‌های پژوهش حاضر نیز حاکی از آن است که الگوی مشابهی در افسانه‌های پریان هم به چشم می‌خورد.

پایان خوش قهرمان قصه زمانی رخ می‌دهد که در مرحله اول ابژه‌های بد را بیرونی کرده و ناهشیار خود را از قید یوغ آنها آزاد می‌سازد و در مرحله بعد با این ابژه بد برونی شده مبارزه می‌کند و بر آن غلبه می‌یابد.

پژوهشگر همچنین به این نتیجه رسید که اگر از زاویه دید نظریه روابط ابژه به افسانه‌های پریان نگاه شود می‌توان مفاهیم، مراحل رشدی، مشکلات روانی و فرآیندهای درمانی این نظریه را در داستان‌ها نیز مشاهده کرد. الگوی مشابهی از این داستان‌ها استخراج شد که می‌تواند الهام‌بخش راهکارهای درمانی برای درمانگران باشد. الگوی مشترکی که در این داستان‌ها کشف شد و با نظریه روابط ابژه انطباق داشت به شرح زیر است: تمامی داستان‌های مورد بررسی در این پژوهش با دوپاره‌سازی ابژه‌ها به خوب و بد از جانب قهرمان داستان آغاز می‌شوند. مرحله بعد از این دوپاره‌سازی، نابودی

ابژه است، ۲. مرحله واسطه یا گذار که در آن نوزاد تعارضی در رهایی از مرحله پیش و میل به رفتن به مرحله بعد را تجربه می‌کند و با اضطراب جدایی مواجهه می‌شود ۳. مرحله وابستگی رشد یافته (۳۷).

## بحث

برونو بتلهایم معتقد است که روانکاوی، یکی از بسیار چهارچوب‌های نمادین تفسیر مشکلات وجودی بشر است. او می‌گوید افسانه‌ها نیز شکل دیگری از همین چهارچوب‌های نمادین هستند که از طریق "برونی‌سازی" به نظم بخشیدن و درک فرآیندهای ذهنی کمک می‌کنند (۷).

افسانه‌های پریان، اگرچه ظاهری بسیار غیر واقعی و خیالی دارند اما همچون سایر اشکال ادبیات و هنر بیش از هر چیزی برای روان آدمی واقعی و ملموس به شمار می‌روند چرا که سرچشمه آنها نه جهان بیرون که ذهن و روان آدمی است و در نتیجه می‌توانند همچون موثق‌ترین منبع درمانی مورد استفاده قرار گیرند (۳۸).

از سوی دیگر، نظریه‌پردازان روابط ابژه بر این مسأله تأکید بسیار دارند که رابطه فرد با مراقبت‌کنندگان اولیه‌اش به خصوص رابطه با مادر که اولین ابژه عشق کودک به شمار می‌رود تأثیری عمیق و پایدار بر رشد شخصیتی فرد دارند.

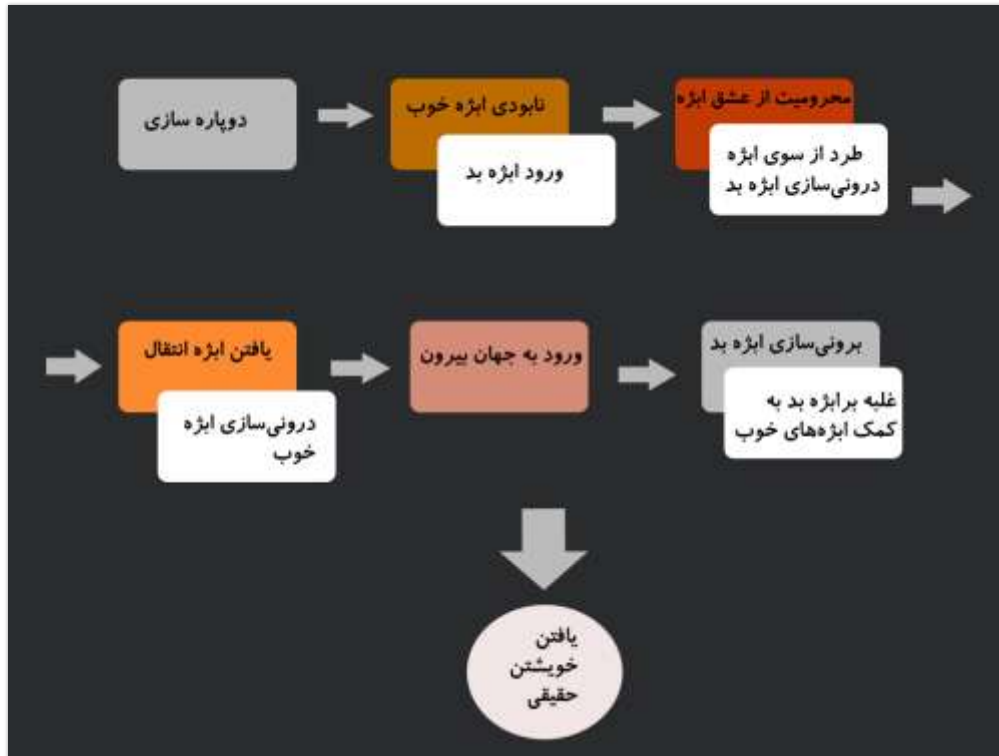
نظریه روابط ابژه، فرآیند رشد و بلوغ روانی را از مرحله ابتدایی همزیستی با مادر و احساس یکی بودن با او تا مراحل پیشرفته جدایی از ابژه عشق و دستیابی به استقلال روانی به تصویر می‌کشد. دستیابی به استقلال روانی، تولد دوباره‌ای است که فرد تجربه می‌کند؛ تولدی که نیازمند متحمل شدن رنج و مشقات بسیاری است.

اتو رانک این رنج و مشقت را حاصل همان جدایی از ابژه اولیه عشق یعنی مادر می‌داند. او فرآیند تولد را به خودی خود واقعه‌ای آسیب‌زا برای نوزاد و سرمنشأ روان رنجوری تلقی می‌کند و پذیرش را شیوه درمان روان رنجوری می‌داند (۳۹).

هدف یک درمانگر روابط ابژه‌ای این است که در فرآیند درمان به فرد کمک کند تا تصاویر ذهنی اولیه خود از دیگری را کشف کند و با مکانیسم انتقال، روابط اولیه تخریب‌گر و آسیب‌زای فرد را با روابط سازنده جایگزین سازد (۴۰). در این فرآیند درمانی، درمانگر به عنوان ابژه به اندازه کافی خوب، جایگزین ابژه‌های بد درونی شده مراجع می‌شود و به او

این سفر از ابژه‌های خوب و ابژه‌های انتقال کمک می‌گیرد و در نهایت، داستان با پایانی خوش خاتمه می‌یابد. خلاصه‌ای از این فرآیند در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است.

ابژه خوب و مواجهه با ابژه بد است. هدف نهایی قهرمان داستان از سفری که آغاز می‌کند، غلبه بر ابژه بد و یافتن خویشتن حقیقی است، خویشتنی که به دلیل درونی سازی ابژه بد به خویشتنی کاذب تبدیل شده است. قهرمان داستان در



شکل ۱) سیر مراحل داستان به ترتیب وقایع از آغاز تا به انجام

#### منابع

1. Gottschall J. The Storytelling Animal: How Stories Make Us Human: Houghton Mifflin Harcourt. 2012.
2. Kiernan BU. The Uses of Fairy Tales in Psychotherapy. Media in Transition; Cambridge, Massachusetts. 2005.
3. de Berg H. Freud's Theory and Its Use in Literary and Cultural Studies: An Introduction: Camden House. 2004.
4. Haase D. The Greenwood Encyclopedia of Folktales and Fairy Tales: G-P: Greenwood Press. 2008.
5. von Franz ML. Archetypal Dimensions of the Psyche: Shambhala. 1999.
6. Benediktsson H. The impact of fairy tales: An exploration of the relationships of parents and children in selected fairy tales. Reykjavík: University of Iceland. 2014.
7. Bettelheim B. The Uses of Enchantment: The Meaning and Importance of Fairy Tales: Knopf Doubleday Publishing Group. 2010.
8. Stadter M. Object Relations Brief Therapy: The Therapeutic Relationship in Short-Term Work: Jason Aronson, Incorporated. 2009.

برای پژوهش‌های آتی بررسی تطبیقی افسانه‌ها با اختلالات روانی پیشنهاد می‌شود. هر افسانه یا قصه می‌تواند تجلی سفر قهرمان داستان برای غلبه بر یک اختلال روانی بخصوص باشد. بررسی مراحل که قهرمان طی می‌کند تا بر مشکل خویشتن غلبه کند می‌تواند الهام‌بخش فرآیند درمان باشد. مزیت راه‌حلی که از دل داستان‌ها بر می‌آید این است که به دلیل برآمدن از ناخودآگاه فردی و جمعی و نزدیک بودن به طبیعت انسانی به احتمال زیاد کارایی بیشتر و نتایج مثبت بیشتری در بر خواهد داشت.

همچنین مطالعه‌ای تطبیقی در باره پایان‌های مختلف یک داستان به خصوص در فرهنگ‌های مختلف از جمله دیگر موضوعاتی است که در پژوهش‌های بعدی می‌توان به آن پرداخت. هر پایان‌بندی می‌تواند نمایانگر شیوه خاصی از فرایند حل مسأله باشد. تحلیل پایان‌بندی‌های متفاوت می‌تواند تحلیلی باشد از شیوه‌های متفاوت حل مسأله در فرهنگ‌های مختلف.

30. Vahedi A, Makvand-Hosseini S, Bigdeli I. Diagnosis of higher level personality pathology by using short-term dynamic psychotherapy. *Journal of Clinical Psychology*. 2012; 4(3): 75-85.
31. Rashn S, Makvand-Hosseini S, Rezaei A, SM T. The effect of long-term dynamic psychotherapy on the personality structure of patients with Dependent Personality Disorder. *Journal of Clinical Psychology*. 2018; 9(4): 1-12.
32. Mazaheri M, Nejati V, Zabihzadeh A, Maleki G. Attachment styles and recognition of facial expression of emotion. *Applied Psychological Research Quarterly*. 2017; 8(1):1-11.
33. Grimm J, Grimm W, Crane L. *Grimm's Fairy Tales*: Wordsworth. 1993.
34. Dhivyadeepa E. *Sampling Techniques in Educational Research*: Lulu.com.
35. Guest G, MacQueen KM, Namey EE. *Applied Thematic Analysis*: SAGE Publications. 2012.
36. Braun V, Clarke V. *Successful Qualitative Research: A Practical Guide for Beginners*: SAGE Publications. 2013.
37. Hughes JM. *Reshaping the Psychoanalytic Domain: The Work of Melanie Klein, W.R.D. Fairbairn, and D.W. Winnicott*: University of California Press. 1990.
38. Li C. *Emergence of fairy tale literacy: A multiple case study on promoting critical literacy of children through a juxtaposed reading of classic fairy tales and their contemporary disruptive variants.. State College: The Pennsylvania State University*. 2010.
39. Rank O. *The Trauma of Birth*: Taylor & Francis. 2015.
40. Kalsched D. *Trauma and the Soul: A Psycho-spiritual Approach to Human Development and Its Interruption*: Routledge. 2013.
41. Kesheshe N. *Wounds from the womb: The impact of trauma on the fetal psyche*. Carpinteria: Pacifica Graduate Institute. 2017.
42. Lindfors O, Knekt P Fau - Heinonen E, Heinonen E Fau - Virtala E, Virtala E. Self-concept and quality of object relations as predictors of outcome in short- and long-term psychotherapy. (1573-2517 (Electronic)).
43. Pine F. Differentiation, object relation, and "microprocesses" of identification through the mother-infant bodily relationship. *International Congress Series*. 2006; 1286: 122-8.
44. Saldana J. *The Coding Manual for Qualitative Researchers*: SAGE Publications. 2012.
45. Seinfeld J. The bad object: handling the negative therapeutic reaction in psychotherapy: J. Aronson. 1990.
9. Celani DP. *Fairbairn's Object Relations Theory in the Clinical Setting*: Columbia University Press. 2010.
10. Antonsen EH, Marchand JW, Zgusta L. *The Grimm Brothers and the Germanic Past*: J. Benjamins Publishing Company. 1990.
11. Leach M. *Funk & Wagnalls Standard Dictionary of Folklore, Mythology, and Legend*: HarperCollins. 1984.
12. Jones SS. *The Fairy Tale: The Magic Mirror of the Imagination*: Routledge. 2002.
13. Davidson HE, Davidson HRE, Chaudhri A. *A Companion to the Fairy Tale*: D.S. Brewer. 2006.
14. Zipes J. *When Dreams Came True: Classical Fairy Tales and Their Tradition*: Taylor & Francis. 2013.
15. Zipes J, Zipes RSEJ, Norton WW, Company. *The Great Fairy Tale Tradition: From Straparola and Basile to the Brothers Grimm: Texts, Criticism*: W.W. Norton. 2001.
16. Clarke GS, Scharff DE. *Fairbairn and the Object Relations Tradition*: Karnac Books. 2014.
17. Grotstein JS. *Splitting and projective identification*: J. Aronson. 1985.
18. Celani DP. *Leaving Home: The Art of Separating from Your Difficult Family*: Columbia University Press. 2011.
19. Quinodoz JM. *Reading Freud: A Chronological Exploration of Freud's Writings*: Taylor & Francis. 2013.
20. Winnicott DW, Caldwell L, Adès R, Robinson HT, Kabesh AT. *The Collected Works of D.W. Winnicott*: Oxford University Press, Incorporated. 2017.
21. Winnicott DW. *The Child, The Family And The Outside World*: Hachette Books. 1992.
22. Segal H. *Introduction to the Work of Melanie Klein*: Karnac Books. 1988.
23. Spillius EB, Milton J, Garvey P, Couve C, Steiner D. *The New Dictionary of Kleinian Thought*: Taylor & Francis. 2011.
24. Abram J. *The Language of Winnicott: A Dictionary of Winnicott's Use of Words*: Karnac. 2007.
25. Carley SG. *Melanie Klein: Object Relations Theory*: CreateSpace Independent Publishing Platform. 2015.
26. Reinstein DK. *To Hold and Be Held: The Therapeutic School as a Holding Environment*: Taylor & Francis. 2013.
27. Cassidy J, Shaver PR. *Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications*: Guilford Publications. 2002.
28. Caldwell L. *Winnicott and the Psychoanalytic Tradition: Interpretation and Other Psychoanalytic Issues*: Karnac. 2007.
29. Rycroft C, Fuller P. *Psychoanalysis and beyond*: Chatto & Windus. 1985.